

چگونگی بازنمایی جایگاه زنان در موسیقی سنتی ایران در دهه ۱۳۶۰

اسفندیار غفاری‌نسب^{۱*}، فاطمه رفاهت^۲

چکیده

آثار هنری در هر جامعه مجموعه اطلاعاتی از وضعیت اجتماعی به دست می‌دهد که می‌توان با رمزگشایی و درک آن به ویژگی‌های جامعه معاصر دست یافت. آثار موسیقی نیز به‌منزله نوعی هنر و رکن مهمی از نظام فرهنگی، از طریق ارائه و نمایش مفهوم زن، نقش درخور توجهی در بازتاب مناسبات جنسیتی جوامع دارد. موسیقی سنتی ایران به‌منزله هنری که در فضای فرهنگی-اجتماعی ایران تولید شده است می‌تواند در شناخت شاخصه‌های فرهنگی جامعه ایران مؤثر باشد. پژوهش حاضر با موضوع بازنمایی زن در موسیقی سنتی دهه ۱۳۶۰ در ایران، به دنبال کشف چگونگی بازنمایی و تصویر زن در اشعار خوانده‌شده در این آثار است. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است و با استفاده از نظام مقوله‌بندی استقرایی به تحلیل محتوای ۵۳ شعر از ۴۳ آلبوم منتشرشده در دهه ۱۳۶۰ پرداخته است. حاصل این تحلیل با دوازده مفهوم، ذیل سه عنوان زن به‌مثابه ابژه عشق سالم، زن به‌مثابه ابژه‌ای اجتماعی و زن به‌مثابه ابژه عشق رمانتیک و اروتیک و مقوله مرکزی زن به‌مثابه ابژه عشق کامل مقوله‌بندی شده است. تحلیل محتوای اشعار حاکی از حضور حداقلی زنان در عرصه عمومی و اجتماعی است و دیدی منفی در قالب کدهای فرهنگی به آنان وجود دارد. با این حال، زن در عرصه خصوصی در قالب رابطه‌ای عاشقانه و به‌عنوان ابژه عشق مرد جایگاه برجسته‌ای دارد و عشق سالم با ویژگی تقارن و پیش‌شرط برابری به وی ابراز شده است.

کلیدواژگان

زن، بازنمایی، عشق سالم، عشق کامل، موسیقی سنتی.

ghafari.na@gmail.com

f.refahat@chmail.com

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز

۲. کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱

مقدمه

هنر و چگونگی شکل‌گیری آن همواره یکی از موضوعاتی بوده که در کانون بررسی‌ها و پژوهش‌های جامعه‌شناختی قرار داشته است. هنر رابطه‌ای متقابل با جامعه دارد؛ از یک‌سو محصول جامعه و ساختارها و مناسبات در آن است و از سوی دیگر بر این ساختارها و مناسبات تأثیر می‌گذارد و کمابیش آن‌ها را دستخوش تغییر می‌کند و جهت می‌بخشد.

یکی از ابعاد نفوذ بینش جامعه‌شناسی در روزگار حاضر، تبیین و تفسیر دستاوردهای فرهنگی انسان با استفاده از این بینش است [۱۱]. هنر یکی از ارکان نظام فرهنگی است که شناخت عمیق درون‌مایه‌های شناختی فرهنگ را فراهم می‌کند. از این‌رو، یکی از شیوه‌های دقیق شناخت چهره واقعی فرهنگ واکاوی آن از رهگذر هنر و مؤلفه‌های مادی آن فرهنگ است [۷].

این واکاوی از این حیث حائز اهمیت است که آثار تولیدشده در بستر فرهنگی هر جامعه می‌تواند بازتاب‌دهنده ایدئولوژی و ارزش‌ها یا شکل‌دهنده نوعی ارزش و ایدئولوژی جدید در آن جامعه باشد.

براساس رویکرد بازتابی، آثار هنری مانند آینه بازتاب وقایعی هستند که در یک جامعه رخ می‌دهد و همانند آینه فقط بخشی از واقعیت‌گزینش‌شده مورد نظر را در چارچوب قاب خویش بازتاب می‌دهد. این در حالی است که رویکرد شکل‌دهی مبتنی بر این باور است که هنرها در مرتبه‌ای بالاتر از جامعه قرار دارد و هنرمند با ارائه ارزش‌ها و ایدئولوژی جدید در اثرش آن‌ها را در جامعه مطرح و نهادینه می‌کند. بنابراین، بسیاری از تغییرات ارزشی و رفتاری جوامع تحت تأثیر آثار هنری رخ می‌دهد [۸].

انحراف اثر هنری از واقعیت نقدی است که به رویکرد بازتابی آثار هنری وارد شده است. این انتقاد ممکن است درباره یک اثر هنری صادق باشد اما با مطالعه آثار هنری متعدد از یک دوره یا جامعه خاص می‌توان به تصویری نزدیک از واقعیت دست یافت [۸]. با وجود این انتقادات، هیچ‌یک از تأثیرات بازتابی و شکل‌دهی هنر انکارپذیر نیستند و طرد هر یک می‌تواند به نگرشی تک‌بعدی بینجامد، زیرا معمولاً آثار هنری ضمن اینکه بر بستر جامعه شکل می‌گیرند و از آن اثر می‌پذیرند، به نوبه خود بر آن اثر نیز می‌گذارند [۲۲].

هنر موسیقی نیز، همانند سایر هنرها، که بر بستر فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد، می‌تواند بازتاب‌دهنده شاخه‌های فرهنگی جامعه باشد یا زمینه‌ساز شکل‌گیری ویژگی جدیدی باشد. بنابراین، واکاوی آن در قالب جامعه‌شناسی موسیقی به شناخت فضای فرهنگی جامعه کمک می‌کند.

جامعه‌شناسی موسیقی، به‌منزله شاخه‌ای از حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی، به عملکرد اجتماعی موسیقی می‌پردازد. این شاخه اعمال موسیقایی را همواره در ارتباط با مسائل

اجتماعی در نظر می‌گیرد. پیوند موسیقی با جامعه در جامعه‌شناسی موسیقی به دو شکل مورد توجه است؛ ارتباط تولید موسیقی با پدیده‌های کلان اجتماعی و استفاده از آثار موسیقایی که تأثیر آن بر مخاطب و جامعه مطالعه می‌شود [۳۲].

در میان مفاهیم فرهنگی که در قالب این هنر نمود یافته، مفهوم جنسیت مورد توجه و تحلیل این پژوهش قرار گرفته است. چگونگی بازنمایی زن در این هنر می‌تواند بازتاب دید فرهنگی جامعه به این مفهوم باشد.

جنسیت به تفاوت‌هایی میان زن و مرد مربوط است که به لحاظ فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته است و از جنس به معنای تفاوت‌های زیست‌شناسی متفاوت است. در واقع، جنسیت با همبستگی‌های فرهنگی استقرار یافته پیرامون جنس ارتباط دارد. هویت فردی و اجتماعی، تقسیم کار جنسی، قدرت، رفتارهای قالبی جنسی و طبقه‌بندی‌های گروهی و زبانی، همه، تحت تأثیر جنسیت قرار می‌گیرند و معنای خاصی می‌یابند [۲۷].

زن، در طول تاریخ، به‌عنوان موضوع هنرهای گوناگون قرار می‌گرفته است، اما بسته به اینکه فرهنگ‌ها چه نگاهی به هستی زن داشته‌اند، رنگ‌وبوی آثار هنری خلق شده در موضوع زن متفاوت بوده است [۷].

در بسیاری از مواقع، به‌خصوص در تحقیق درباره گذشته و یک دوره زمانی خاص، تحلیل آثار هنری تولید شده در آن دوره تاریخی می‌تواند شناختی از جامعه معاصرشان به دست بدهد که شاید از هیچ راه دیگری نتوان به آن رسید [۸]. موسیقی سنتی ایران قدمتی دیرینه دارد و فراز و نشیب‌های بسیاری را از فرود موسیقی در عصر صفویه تا فراز و تغییرات شگرف در سده اخیر پشت سر گذاشته است. اگرچه دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شمسی دوره اوج ظهور ستارگان موسیقی سنتی ایران است، دهه ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ را می‌توان عرصه درخشش موسیقی سنتی و شکوفایی این هنر اصیل و گفتمان آن با شعر دانست. از این‌رو، چنین دهه‌هایی را می‌توان اوج حرکت در موسیقی تفکر نامید. در این دهه‌ها، موسیقی ایران نه تنها به لحاظ محتوایی به سوی پرمعناترین اشعار کلاسیک فارسی رفته است، بلکه به لحاظ تخصصی و اصول فرمیک ملودیک نیز جریان‌سازی‌های فراوانی در دستگاه موسیقی ایرانی انجام شده است. موسیقی سنتی در دهه ۱۳۶۰ شاهد انتشار آلبوم‌های موفق و پرفروشی بود که توانست مقبولیت گسترده‌ای را در میان مردم و به‌خصوص جوانان کسب کند و علاوه بر تولیدات بکر و اصیل موسیقایی قلمرو بازتاب رسانه‌ای این هنر در سطح بین‌المللی نیز باشد [۵].

بنابراین، با توجه به اهمیت گزینش شعر در تولید آثار و مواجه شدن این نوع موسیقی با اقبال عمومی در دهه ۱۳۶۰، بررسی این سبک از هنر موسیقی در این دهه می‌تواند رهگذر مناسبی برای بررسی مفاهیم فرهنگی از جمله مفهوم جنسیت باشد. شعر در موسیقی آوازی ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است. اهمیت این اشعار در قطعات

موسیقی سنتی به پیوند دیرینه میان شعر فارسی و موسیقی برمی‌گردد. در بررسی چگونگی بازنمایی زن در این اشعار، مفهومی که حائز اهمیت می‌نماید، مفهوم دروازه‌بانی^۱ است که در راه انتخاب اجرای اشعار اتفاق می‌افتد. این انتخاب در عرصه موسیقی سنتی می‌تواند اشعاری را به متن بیاورد که حاوی دیدگاه خاصی به جنسیت و مفهوم زن باشد و سایر دیدگاه‌ها و نگاه‌ها را به حاشیه براند.

هدف از جامعه‌شناسی اثر هنری ابتدا تحلیل اثر برای یافتن معانی آشکار و پنهان آن و در مرحله بعد ربط‌دادن این معانی به ساخت جامعه معاصر اثر است. تحلیل محتوای اشعار موسیقی سنتی ایرانی به‌عنوان هنری که در بستر فضای فرهنگی - اجتماعی ایران در دهه ۱۳۶۰ تولید و منتشر شده است، به شناخت زن ایرانی به‌عنوان یک برساخته اجتماعی کمک خواهد کرد. بنابراین، در تحلیل اشعار موسیقی سنتی به مفهوم زن توجه شده است و پرسش اصلی پژوهش این است که زن در اشعار آثار موسیقی سنتی در دهه ۱۳۶۰ چگونه بازنمایی شده است.

این پژوهش، به‌عنوان مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی موسیقی، با این فرض آغاز می‌شود که اثر هنری پدیده‌ای اجتماعی است و با آن ارتباطی دوسویه دارد. با توجه به اهمیت تاریخی محتوای متون هنری برای شناخت درون‌مایه‌های شناختی فرهنگ، این پژوهش به تحلیل محتوای اشعار موسیقی سنتی ایران و بررسی چگونگی بازنمایی مفهوم زن در این نوع موسیقی در دهه ۱۳۶۰ می‌پردازد.

در این پژوهش، تلاش می‌کنیم با تحلیل آثار موسیقایی تصویری از چگونگی نگاه به زن و برساخت هویت جنسیتی در دوره‌ای خاص به‌دست آوریم. همچنین، به منظور خنثی‌کردن انحراف آثار هنری از واقعیت، آثار متعدد موسیقایی یک دهه، که توسط هنرمندان مختلف تولید شده است، بررسی می‌شود.

روش تحقیق

پژوهش با داده‌های متنی روبه‌روست و تلاش می‌کند تا به محتوای پنهان این متون دست یابد. در پژوهش حاضر، با توجه به موضوع پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تحلیل استقرایی طبقه‌بندی استفاده شده است و مقولات مرحله‌به‌مرحله و به‌طور آزمایشی استخراج می‌شوند.

جامعه آماری در این پژوهش همه آثار منتشرشده در گفتمان موسیقی سنتی ایرانی است که در برهه زمانی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹ در داخل کشور و به شکل قانونی منتشر شده است که ۴۳ آلبوم منتشرشده از سوی ۸ هنرمند (محمد رضا شجریان، شهرام ناظری، علیرضا افتخاری، علی جهاندار، حسام‌الدین سراج، صدیق تعریف، بیژن کامکار، حسین علیزاده) را

1. The gate keeper Concept

دربرمی‌گیرد. نمونه مورد مطالعه این پژوهش با بررسی اشعار خوانده‌شده در آلبوم‌های مطالعه‌شده و گزینش اشعاری که در محتوای آن‌ها مفهوم زن بازنمایی شده حاصل شده است. در این پژوهش، ابتدا تعداد ۵۳ شعر منتخب از آلبوم‌های موسیقی که در ارتباط با مفهوم زن بود مطالعه و بررسی شد و سپس تعداد ۵۹ کد آزاد از این اشعار استخراج شد. این کدها در ذیل ۱۲ مفهوم قرار گرفتند و مفاهیم نیز خود تحت ۳ مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. در تحلیل محتوای کیفی، قاعده فرایند روش پژوهش می‌تواند معیار قابلیت اطمینان را تقویت کند [۲۸]. در این پژوهش، پس از شنیدن و بررسی چندباره اشعار آثار موسیقایی مطالعه‌شده، نتایج از سوی استادان جامعه‌شناسی بازبینی و تأیید شد.

پیشینه تحقیق

در ایران مطالعات در حوزه جامعه‌شناسی موسیقی عمدتاً به مصرف موسیقایی معطوف بوده است. فاضلی (۱۳۸۴)، ودادهیر، امینیان و طباطبایی (۱۳۹۰)، قاسمی و صمیم (۱۳۸۷) و ایمان، زنجری و اسکندرپور (۱۳۸۹) عوامل و نگرش‌های مربوط به گرایش و مصرف موسیقایی را مطالعه کرده‌اند. همچنین کوثری و مولایی (۱۳۹۱)، قاسمی و میرزایی (۱۳۸۵)، بیات (۱۳۸۷) به جایگاه و تأثیر مصرف موسیقایی بر مصرف‌کنندگان پرداخته‌اند.

بررسی زنان در مطالعات جامعه‌شناسی موسیقی در ایران عمدتاً معطوف به زن به‌عنوان نماد یا موضوع در آثار موسیقایی بوده است. پیرو (۱۳۹۱) به تحلیل محتوای موسیقی رپ پرداخته است و نحوه بازنمایی زن را در این آثار توضیح داده است. همچنین، فاضلی و ملکی (۱۳۹۰) نحوه نگرش به زن را در ترانه‌های فولکلوریک زبان کردی و لری بررسی کرده‌اند. با این حال، موسیقی سنتی ایران بسیار اندک مورد بررسی جامعه‌شناسانه قرار گرفته است.

با توجه به قدمت هشتادساله مطالعات موسیقی در غرب، تنوع و گستردگی این تحقیقات به مراتب بیشتر از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران است و بر جنبه‌های متعدد ارتباط موسیقی به‌عنوان عنصر فرهنگی با جامعه تمرکز کرده است. این پژوهش‌ها علاوه بر مصرف‌کنندگان، به تولیدکنندگان و منتشرکنندگان موسیقی نیز توجه داشته است. بوگت^۱ و همکاران (۲۰۱۱) تأثیر عواملی چون سن و جنس، پایگاه طبقاتی و تداوم بین نسلی را در مصرف موسیقایی مطالعه کرده‌اند. گروهی از پژوهش‌ها نقش مصرف موسیقی و کارکرد آن در جامعه را بررسی کرده‌اند. میکنتوش^۲ (۲۰۱۰) ارتباط بین مصرف موسیقی هیپ‌هاپ و رفتار جنسی بزرگسالان و مایگنون کوکیا^۳ (۲۰۱۱) تأثیر موسیقی رپ بر ساختار ارزش‌های شنوندگان را بررسی

1. Bogt
2. Mcintosh
3. Mignonkucia

کرده‌اند. کلاوسن^۱ (۱۹۹۹) با بررسی اشتغال زنان در گروه‌های راک، زنان را در جایگاه تولیدکننده موسیقی مطالعه کرده است. همچنین، پژوهش‌های متعددی زنان را به‌عنوان موضوع آثار موسیقایی بررسی کرده است. ویتز و کوربین (۲۰۰۹)، آرمسترانگ^۲ (۲۰۰۱) و امرسون^۳ (۲۰۰۲) نحوه بازنمایی زنان را در موسیقی رپ، جاز و موزیک‌ویدئوها بررسی کرده‌اند.

مبانی نظری مفهومی

در بررسی و تحلیل موقعیت و هویت جنسیتی در جامعه، بازنمایی فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و می‌تواند مفاهیم مشترک را تولید کند. تولیدات فرهنگی ممکن است مفهومی هژمونیک از هویت جنسیتی را تحکیم کند و سبب نمود نوعی خاص از انتظارات نسبت به نقش و جایگاه زنان در جامعه شود.

از نظر استوارت هال، معنا براساس نظام بازنمایی یک برساخت اجتماعی است؛ به این معنا که زبان، رسانه، هنرها، علوم و همه صورت‌های فرهنگی، هنری و علمی که ما به کمک آن درباره عالم، هستی و انسان سخن می‌گوییم یا می‌اندیشیم هیچ یک نمی‌توانند بازتابی آینه‌گون از واقعیت ارائه کنند [۱۴].

فمینیسم و زیبایی‌شناسی فمینیسم دیگر نظریه‌ای است که می‌تواند در تحلیل جایگاه زن در آثار هنری راهگشا باشد. زیبایی‌شناسی فمینیسم به دنبال تحلیل جایگاه زنان در آثار خلق‌شده هنری است. آنچه فمینیست‌ها در هنر و زیبایی‌شناسی خود به دنبال آن بودند، دریافت تاریخی فرودستی تاریخی و اجتماعی چگونگی استمراربخشیدن این فرودستی از سوی رویه‌های هنری در طول تاریخ است. رویکرد فمینیستی به زیبایی‌شناسی، ضمن توجه به تأثیرات فرهنگ حاکم، می‌کوشد ثابت کند که هنر به‌طور هم‌زمان بازتاب‌دهنده و تثبیت‌کننده صور اجتماعی جنسیت، هویت جنسی است [۷].

فمینیست‌های رادیکال عشق در شکل امروزی آن را رابطه‌ای مبتنی بر نوعی وابستگی ویران‌گر به مردان می‌داند، اما مردان مطلقاً دچار وابستگی و آسیب نمی‌شوند. عشق رابطه‌ای نامتقارن است که در آن مردان و زنان نسبت به یکدیگر به نحو واحدی عشق نمی‌ورزند و تجربه مشابه یا یکسانی از عشق ندارند [۹].

نظر فایرستون^۴ درباره عشق مورد حمایت جریان غالب‌تر فمینیست‌های رادیکال است. در این نظریه بحث بر سر عشق سالم و ویران‌گر است. فایرستون مدعی است که در آینده انقلابی عشق به نوعی وابستگی سالم و پربار تبدیل می‌شود. وی برای عشق سالم شرایط خاصی قائل

1. Clawson
2. Armstrong
3. Emerson
4. Fireston

است؛ یکی از این شرایط دوسویه بودن عشق است. به این معنا که روابط عاشقانه باید متقارن باشد و زن و مرد هر دو یکدیگر را به نحوی یکسان دوست داشته باشند. آسیب‌پذیری، گشودگی و وابستگی متقابل از دیگر ویژگی‌های عشق سالم از نظر فایرستون است. ایدئال‌سازی معشوق سومین ویژگی عشق سالم است. عشق به معشوق این امکان را می‌دهد که پاره‌ای از ویژگی‌هایش را، که خود از وجودشان بی‌خبر بوده و عاشق آن‌ها را کشف و آشکار کرده، ببیند و به رسمیت بشناسد. عشق می‌تواند مجالی برای رشد و تکامل مثبت شخصیت افراد نیز فراهم کند. در آمیختگی من‌ها و تبادل خودها آخرین ویژگی عشق سالم از نظر فایرستون است. عشق میان دو انسان هم‌تراز آن‌ها را سرشار و پر بار می‌کند و هریک از آن‌ها خود را از طریق دیگری تکامل می‌بخشد. فایرستون مدعی است که عشق در شرایط کنونی هیچ‌یک از این ویژگی‌ها را ندارد و زنان به نحو بیمارگونه‌ای عشق می‌ورزند و مردان اصلاً عاشق نمی‌شوند [۹].

زیک رابین^۱ در سال ۱۹۷۰ مقیاسی با دو نوع اندازه‌گیری ساخت که یکی در مورد پیوند و ارتباط و دیگری در مورد عشق است. عامل پیوند شامل مواردی مانند جذابیت، دیدگاه خوب، احترام و دوستی است و عشق عواملی مانند اظهار وابستگی به معشوق، احساس انحصارطلبی و مسئولیت در برابر او، احساس علاقه و میل به بودن با او را دربر می‌گیرد. استرنبرگ^۲ نیز در سال ۱۹۸۸ به نظریه‌پردازی درباره عشق پرداخت و آن را در قالب مثلث عشق توضیح داده است. وی معتقد است که برای تجربه عشق کامل - یعنی عشقی که همه اوصاف عشق را دربر داشته باشد - عشق باید دارای سه مؤلفه صمیمیت، تعهد و شهوت باشد. در این مثلث، صمیمیت جزء عاطفی است و شامل احساس نزدیکی و اشتراک احساسات است. شور هیجان و شهوت جزء انگیزی است و شامل جاذبه جنسی و احساس عاشق بودن است و تعهد جزء شناختی است [۱۵].

یافته‌های تحقیق

بازنمایی زن در عرصه خصوصی

زن در آثار بررسی شده از سوی مرد مورد عشق ورزی قرار گرفته، همواره ابژه عشقی سالم بوده و در این رابطه جایگاهی مثبت و برجسته داشته است. اگرچه زن در این رابطه کاملاً نقش ابژه را دارد، عشق کامل و سالم با همه ویژگی‌های آن به وی ابراز شده است و این امر به زن در عرصه خصوصی موقعیتی برابر با مرد را در رابطه عاشقانه بخشیده است.

1. Zick Rubin
2. Sternberg

مقاله ۱. زن به مثابه ابژه عشق سالم

اشعار خوانده شده در آلبوم‌های موسیقی سنتی، زن را در رابطه عاشقانه با مرد توصیف کرده است. رابطه عاشقانه تصویر شده در این آثار بیانگر ابراز عشق سالم با ویژگی‌هایی چون دوسویه بودن، آسیب‌پذیری، گشودگی و وابستگی متقابل، ایدئال‌سازی، درآمیختگی من‌ها و تبادل خودها، کشش طبیعی، وابستگی و انحصار در روابط از سوی مرد عاشق به معشوق زن است. این مقوله با جمع‌بندی پنج مفهوم پیوند خوشبختی زن با مرد، زن به مثابه ابژه عشق انحصاری، آسیب‌پذیری در رابطه عاشقانه با زن، ایدئال‌سازی معشوق زن و ساخت هویت مشترک با زن ساخته شده است.

پیوند خوشبختی زن با مرد

یکی از ویژگی‌های اساسی عشق رمانتیک بین زن و مرد این است که خوشبختی فرد تحت تأثیر خوشبختی دیگری قرار می‌گیرد و دامنه خوشبختی یا بدبختی فرد گسترده‌تر می‌شود [۲۴]. در بسیاری از اشعار بررسی شده، خوشبختی و شادابی مرد عاشق به حضور و همچنین خوشبختی معشوق زن منوط شده و زن عامل خوشبختی مرد توصیف شده است. کدهایی که این مفهوم را ساخته‌اند عبارت‌اند از:

مرد از دوری زن شکوه می‌کند؛

حضور زن و ایجاد رابطه عاشقانه او با مرد عاشق سبب شادی و خوشبختی مرد است؛

و عدم همراهی او با مرد رابطه و نحوه تعامل آن‌ها را ناپایدار می‌کند؛

مرد خواهان پاسخ متقابل معشوق زن است.

در اینجا نمونه‌هایی از اشعاری که کدهای آزاد از آن‌ها استخراج شده است بیان می‌شود:

سمن بویان غبار غم چو بنشینند بستانند/ پری رویان قرار از دل چو بستیزند بستانند (حافظ،

آلبوم راز و نیاز علیرضا افتخاری)

دل تنگم و دیدار تو درمان من است/ بی رنگ رخت زمانه زندان من است (مولوی، آلبوم

شهرام ناظری)

زن به مثابه ابژه عشق بی‌همتا

یکی از معیارهای مهم رابطه عشقی رمانتیک این است که عاشق هرگز به فکر معاوضه معشوق خود با دیگری نیست. معاوضه محبوب با دیگری با حقیقت عشق و اقتضای مای مشترک ناسازگار است. عشق رمانتیک عبارت است از شوق برای بناکردن ما با یک فرد خاص و نه با هیچ‌کس دیگر [۲۴]. در متون بررسی شده، همواره مرد عاشق به معشوقی واحد می‌اندیشد.

کدهای آزاد ذیل مفهوم عشق انحصاری به زن را بازنمایی می‌کند:
معشوق زن به‌عنوان تنها مشغله فکری مرد عاشق توصیف شده است؛
زن فاعل عشقی انحصاری نیست و در مقابل چند عاشق قرار گرفته است؛
مرد عاشق می‌خواهد هر آنچه را در توان دارد برای معشوق خود انجام دهد.
در ادامه نمونه‌هایی از متن که بیانگر این کدها و مفهوم است بیان شده است:
مشنوی دوست که غیر تو مرا کاری هست / یا شب و روز به جز فکر توام کاری هست
(سعدی، آلبوم یادگار دوست، شهرام ناظری)
ز دستم برنمی‌خیزد که یک دم بی‌تو بنشینم / به جز رویت نمی‌خواهم که روی هیچ کس
بینم (سعدی، آلبوم صبح مشتاقان، علی جهاندار)

آسیب‌پذیری و گشودگی در رابطه عاشقانه با زن

فایرستون یکی از ویژگی‌های عشق سالم و خوب را آسیب‌پذیری، گشودگی و وابستگی متقابل می‌داند. این شاخصه به این معناست که عاشق به لحاظ روحی به سوی دیگری گشوده می‌شود. در این وضعیت، فرد به لحاظ عاطفی کاملاً آسیب‌پذیر می‌شود [۹]. این ویژگی در رابطه‌های عاشقانه توصیف‌شده در اشعار تحلیل‌شده به‌وفور دیده می‌شود. وابستگی مرد به معشوق زن و ابراز نیاز به حضور وی وجه بارز روابط توصیف‌شده در این متون است. این وابستگی و آسیب‌پذیری فقط از جانب مرد بیان شده است و این امر نشان‌دهنده موضوعیت زن در این وجه از رابطه عاشقانه سالم است.

مفهوم آسیب‌پذیری مرد در رابطه عشقی با زن از کدهای ذیل برگرفته شده است:
مرد عاشق در دوری از معشوق زن ناآرام و بی‌صبر توصیف شده است؛
مرد در دوری از معشوق زن متحمل رنج فراوانی می‌شود؛
شکست در ارتباط عاشقانه با زن به‌عنوان مخل آرامش مرد خوانده شده است؛
مرد عاشق در جدایی از معشوق زن افسرده و ناراحت تصویر شده است؛
مرد از آسیب‌پذیری خود در ارتباط عاشقانه با زن آگاه است.
برخی از اشعاری که نشان‌دهنده این موارد عبارت‌اند از:
دوش دور از رویت ای جان جانم از دل تاب داشت / ابر چشمم بر رخ سودای تو سیلاب
داشت (سعدی، آلبوم داستان، شجریان)

غم عشقت بیابون پرورم کرد / هوای بخت بی‌بال و پرم کرد (باباطاهر، آلبوم درینا، افتخاری)
من ترک مهر اینان درخور نمی‌شناسم / بگذار تا بیاید بر من جفای آنان (سعدی، آلبوم
پیوند مهر، شجریان)

از آن رنگ رخم خون در دل افتاد / وز آن عشقم گذر بی‌مبتلا کرد (حافظ، آلبوم باغ/رغوان، سراج)

ایدئال‌سازی معشوق زن

در این نوع از عشق، فردی با ویژگی‌های عادی مرتبه و امتیازاتی غیرعادی می‌یابد و از این حیث همانند خود فرد از دیگران تمایز پیدا می‌کند. به عبارتی، عاشق معشوق خویش را بدون استناد به معیارهای عام، زیبا و دلنشین می‌داند. عاشق کاملاً گرفتار نوعی تعصب می‌شود و عقلانیت در سایه اهمیت عشق رنگ می‌بازد [۱۳].

کدهایی که مفهوم ایدئال‌سازی را در این اشعار بازمی‌نمایند عبارت‌اند از:

ارزشمندی زن با کل جهان برابر دانسته شده است؛

زن با ویژگی‌هایی منحصربه‌فرد توصیف شده است؛

مرد خود را در مقابل ارزشمندی معشوق زن ناچیز و بی‌ارزش تعریف کرده است؛

معشوق زن فراتر از فردی معمولی برای مرد عاشق است؛

در توصیف زن، توانایی‌های خارق‌العاده‌ای به او نسبت داده شده است؛

تبعیض و علاقه به زنی خاص بیان شده است؛

حضور زن ویژگی فوق‌العاده‌ای دارد.

نمونه‌هایی از متن که کدهای یادشده با بررسی آن‌ها استخراج شده است، عبارت‌اند از:

رنگ رخ خوب تو آخر گواه است/ در حرم لطف خدا بوده‌ای (مولوی، آلبوم کنسرت بن، شجریان)

تموم خوب‌رویان جمع گردند/ کسی که یادت از یادم بره نیست (باباطاهر، آلبوم دریغا، افتخاری)

فایرستون استدلال می‌کند که مردان از این‌رو درباره معشوق خود ایدئال‌سازی می‌کنند تا

تنزل خود را به رتبه زنان در اجتماع توجیه کنند؛ درحالی‌که مردان هیچ‌گاه به‌عنوان موضوع

ایدئال‌پردازی از سوی زنان قرار نخواهند گرفت [۱۳]. این ویژگی در اشعار تحلیل‌شده بسیار

پررنگ دیده می‌شود. در تعداد ۵۲ شعری که از متون موسیقی سنتی تحلیل شد، فقط زنان

به‌عنوان موضوع ایدئال‌سازی و خاص‌سازی از سوی مردان معمولی عاشق مطرح بودند و در

مورد ویژگی‌های مختلف آنان اغراق یا ایدئال‌سازی شده است.

ساخت هویت مشترک با زن

کشش طبیعی میان زن و مرد، درآمیختن «من‌ها» و تبادل «خودها» نیز یکی دیگر از

شاخصه‌های عشق رمانتیک سالم است. هدف عشق درآمیختن دو شخصیت است [۹]. شوق

برای ساختن هویتی مشترک با معشوق زن موضوع بسیاری از ابیات خواننده‌شده در متون

موسیقایی تحلیل‌شده است. این شوق و کشش همواره از جانب مرد ابراز شده است و زن

به‌عنوان موضوع این تمایل و کشش مطرح است. کدهایی که مفهوم ذکرشده از آن‌ها اقتباس

شده است به شرح ذیل است:

آشنایی با معشوق زن سبب دوری مرد از فردیت خود می‌شود؛

کشش یک‌سویه مرد به سمت معشوق زن توصیف شده است؛ شوق و تلاش بی‌وقفهٔ مرد برای ایجاد رابطهٔ عاشقانه با زن توصیف شده است؛ مرد در تلاش دائمی برای رسیدن به معشوق زن تصویر شده است؛ کشش و شوق مرد عاشق به یکی شدن با معشوق زن بیان شده است؛ مرد در انتظار وصل زن است و بسیار مشتاق تصویر شده است. اشعار ذیل نمونه‌هایی از متونی است که این کدها در آن‌ها دیده می‌شود و مفهوم یادشده را بازنمایی می‌کند:

ز دل بیرون کنم جان را به صد شوق / همین واجم که جایش دلبر آید (باباطاهر، آلبوم *آستان جانان*، شجریان)

هم مگر با سر زلف تو چه پیوندی داشت / که پریشان شد و از خویش برون شد دل من (شیدا، آلبوم *بهاران آیدر*، ناظری)

مسئولیت‌پذیری در برابر معشوق زن

سعدی که بسیاری از اشعار انتخاب‌شدهٔ هنرمندان از میان غزلیات عاشقانهٔ اوست، تعهد را از ارکان عشق و ایثار و تلاش در جهت رضای معشوق را از ویژگی‌های عشق حقیقی می‌داند [۲۳]. استرنبرک نیز در نظریهٔ خود موسوم به مثلث عشق، تعهد و مسئولیت‌پذیری را یکی از ابعاد اساسی عشق می‌داند [۱۵]. در اشعار بررسی‌شده، مسئولیت‌پذیری مرد عاشق در برابر معشوق زن بارز است. مرد به‌عنوان راوی سخن آمادگی خود را برای انجام‌دادن هر تلاشی در جهت رضایت معشوق زن اعلام و نگرانی خویش را از مشکلاتی که ممکن است برای معشوقش پیش آید ابراز می‌کند.

کدهایی که این مفهوم را ایجاد کرده‌اند عبارت‌اند از:

مرد عاشق برای جلب رضایت زن تلاش می‌کند؛

مرد عاشق نگران آسیب‌دیدن معشوق زن است.

یکی از اشعاری که کدهای یادشده در آن‌ها نمودار است به شرح زیرند:

از آن ترسم که غافل پا نهی باز / نشینه خار مژگانم به پایت (باباطاهر، آلبوم *مهرورزان*، افتخاری)

مقولهٔ ۲. زن به‌مثابهٔ ابژه در عشق اروتیک^۱ و رومانیک

می‌توان گفت نقطهٔ تمایز اروس و عشق اروتیک از سایر انواع عشق، کشش و احساس نیمه‌جسمانی عاشق به فردی خاص است. با آنکه نمی‌توان به‌روشنی گفت که میل جنسی منشأ

یا محمل وجه عاطفی عشق رمانتیک است، بی‌شک میل جنسی و رابطه جسمانی بخش جدانشدنی و انکارناپذیر عشق اروتیک است [۱۳]. این ویژگی اساسی عشق اروتیک در متون بررسی شده بسیار شاخص بوده است. توجه به جسمانیت زن و توصیف و عشق‌ورزی به آن در بیشتر این اشعار به چشم می‌خورد. در این رابطه عاشقانه اروتیک مرد عاشق نقش راوی و زن نقش ابژه را بازی می‌کند و دو مفهوم "جسمانیت زن به‌مثابه ابژه عشق‌ورزی" و "زن به‌مثابه ابژه عشق جنسی" در ذیل عنوان "زن به‌عنوان ابژه عشق اروتیک" مقوله‌بندی شده است. مفهوم اول نشان‌دهنده یکی از ابعاد اساسی عشق رمانتیک است و مفهوم دوم جایگاه زن را در این ارتباط عاشقانه روشن می‌کند.

جسمانیت زن به‌مثابه ابژه عشق‌ورزی

توجه به جسمانیت زن و عشق‌ورزی و شوق به آن در اشعار تحلیل‌شده در این پژوهش نشان‌دهنده وجود حدی از عشق اروتیک به زن است. همچنین، زن در این آثار عموماً به‌منزله معشوق مرد و ابژه در این ارتباط اروتیک تصویر شده است. نمایش این تصویر از زن و قراردادن وی در بستر عشقی اروتیک از جانب هنر موسیقی، بعدی خاص از شخصیت زن را برجسته و بر آن تأکید می‌کند.

کدهایی که نشان‌دهنده توجه به جسمانیت زن به‌عنوان ابژه عشق‌ورزی در رابطه‌ای اروتیک است عبارت‌اند از:

ویژگی‌های ظاهری زن مانند قد، چهره، مو و... توصیف شده است؛

ویژگی‌های ظاهری زن مورد عشق‌ورزی قرار گرفته است؛

درباره ویژگی‌های ظاهری زن خیال‌پردازی شده است؛

انتظار مرد برای رسیدن به عشق زن، امیال جسمانی را شامل می‌شود؛

زیبایی ظاهری زن سبب کشش مرد عاشق به سمت او می‌شود؛

مرد عاشق خواستار ویژگی‌های ظاهری معشوق زن است.

برخی از اشعاری که نمایشگر توجه به جسمانیت زن هستند عبارت‌اند از:

ببوس از سر آن سرو سیم‌تن تا پای / به پای او چو رسی کار بوسه از سرگیر (رهی معیری، آلبوم صبح مشتاقان، جهان‌دار)

یکی دختری داشت خاقان چو ماه / کجا ماه دارد دو چشم سیاه / به دنبال چشمش یکی خال بود / که چشم خودش هم به دنبال بود (فردوسی، آلبوم نوروز، ناظری)

زن به‌مثابه ابژه در رابطه عاشقانه

یکی از مواردی که در مورد بازنمایی زنان و مردان در متون رسانه‌ای وجود دارد، مقوله‌هایی

نظیر میزان حضور زنان و مردان، راوی و شخصیت اصلی است. از مسائل مورد نظر پیرامون بازنمایی زنان، حضور فعال یا غیرفعال یا عدم حضور زن است تا از این راه میزان حضور و عدم حضور زن با میزان حضور مردان مقایسه شود. در همه اشعار تحلیل شده از آلبوم‌های موسیقی در دهه ۱۳۶۰، راوی مرد از عشق به معشوق زن سخن گفته است. علاوه بر این، در مواردی زن به‌مثابه ابژه عشق‌ورزی چندین مرد عاشق توصیف شده است و حتی معشوق زن نقشی در یک ارتباط عاشقانه دوطرفه ندارد. زن در هیچ‌یک از متون تحلیل شده به‌عنوان فاعل عشقی انحصاری توصیف نشده است و همواره ابژه عشق‌ورزی بوده است.

کدهایی که بیانگر زن به‌مثابه ابژه در رابطه عشقی هستند عبارت‌اند از:

زن در همه متون مورد عشق‌ورزی قرار گرفته است؛

زن فاعل عشقی انحصاری نیست؛

راوی همه اشعار مرد عاشق است.

نمونه‌هایی از اشعاری که کدهای یادشده را در خود دارند عبارت‌اند از:

او را خود التفات نبودش به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم (سعدی، آلبوم

دستان، شجریان)

به کمند سر زلفت نه من افتادم و بس / که به هر حلقه زلف تو گرفتاری هست (سعدی،

آلبوم یادگار دوست، ناظری)

بازنمایی زن در عرصه عمومی

با بررسی و تحلیل اشعار انتخاب شده از آلبوم‌های موسیقی سنتی ایران در دهه ۱۳۶۰، جایگاه زن در عرصه عمومی و اجتماعی در جامعه قابل تبیین است. زن در این آثار به‌مثابه ابژه‌ای اجتماعی حضوری کم‌رنگ در عرصه اجتماعی دارد و همواره دسترسی ناپذیر توصیف شده است. همچنین، با کدهای فرهنگی منفی و ملازم با احساساتی‌گری و غیرعقلایی توصیف شده است. از این رو، عشق‌ورزی به زن همواره امری مذموم دانسته شده است.

مقوله ۱. معشوق زن به‌مثابه ابژه‌ای اجتماعی

بررسی و تحلیل متون منتخب از این آثار موسیقایی نشان داد که زن به‌عنوان معشوق مرد در بستر جامعه تعریف شده است و نقش ثانویه دارد. برای زن به‌عنوان معشوق در رابطه عاشقانه ویژگی‌هایی تعریف شده است و نیز نگاه و دید جامعه درباره عشق به زن و تبعات ارتباط با زنان تصویر شده است. علاوه بر این، با تحلیل این آثار جایگاه اجتماعی و حضور زن در اجتماع نیز قابل برداشت است. این مقوله عشق به زن به‌عنوان امر اجتماعی مذموم، زن به‌مثابه فردی غایب و دور از دسترس، زن در دوگانه‌انگاری‌های فرهنگی و عشق به زن در ضدیت با عقلانیت و دینداری را در ذیل خود قرار داده است.

عشق به زن به عنوان امر اجتماعی مذموم

در متون شعری بیان شده عموماً جامعه مرد را از درگیری در ارتباطی عاشقانه با زن منع می‌کند و تبعات این ارتباط را منفی می‌داند. وجود این دید در جامعه به ارتباط با زن سبب شده است که مرد تلاش کند تا این ارتباط را پوشیده نگه دارد و از این طریق حافظ اعتبار اجتماعی خویش باشد.

کدهایی که بیانگر این مفهوم اند عبارت‌اند از:

مرد عاشق به خاطر عشق به زن ملامت شده است؛

مرد به رهاکردن و جداشدن از معشوق زن تشویق شده است؛

مرد به بی‌توجهی به زن نصیحت می‌شود؛

مرد تلاش می‌کند عشق به زن را پنهان نگه دارد؛

فاش شدن عشق به زن سبب کاهش اعتبار و آبروی اجتماعی مرد می‌شود.

اشعار ذیل نمایش‌گر کدها و مفاهیم یادشده‌اند:

به تمنای تو ای کعبه ارباب وفا/ پیش اهل حرم و دیر زبون شد دل من (شیدا، آلبوم بهاران

آبیدر، ناظری)

تو را من دوست می‌دارم خلاف هر که در عالم/ اگر طعنه است در عقلم اگر رخنه است در

دینم (سعدی، آلبوم صبح مشتاقان، جهان‌دار)

زن به مثابه فردی غایب و دسترسی ناپذیر

با آنکه نقش زنان در بیشتر موقعیت‌های اجتماعی اساسی بوده است، باز با نقش مردان در همین موقعیت‌ها برابری نداشته است. در مجموع، نقش زنان متفاوت از نقش مردان بوده، جامعه برایش امتیاز کمتری قائل شده و در جایگاه و رتبه‌ای پایین‌تر از نقش مردان جای داشته است. در معرض دید نبودن آن‌ها خود نشانه‌ای دال بر همین نابرابری است [۱۰]. در متون اشعار آثار موسیقی سنتی در دهه ۱۳۶۰ نیز این مستوری، پوشیدگی و دور از دسترس بودن زنان نمود گسترده‌ای یافته است.

کدهایی که این مفهوم را ساخته‌اند به شرح ذیل‌اند:

زن تعمداً خود را از مرد عاشق پنهان نگه می‌دارد؛

زن به عنوان معشوق مرد دور از دسترس توصیف شده است؛

معشوق زن حضور فیزیکی ندارد و مرد به خیال و تصویری از وی عشق می‌ورزد؛

درباره ویژگی‌های جسمانی معشوق غایب خیال‌پردازی شده است.

نمونه‌هایی از اشعاری که این کدها و مفاهیم را در خود دارند در ادامه آورده شده است:

آفتاب عمر من فرو رفت و ماهم/ از افق چرا سر برون نکرد (صدر سالک، آلبوم آتش دل، افتخاری)

جز تو اندر دل من هیچ کسی می‌ناید/ وین عجب تر که تو خود روی به کس ننمایی (عراقی، آلبوم همایون مثنوی، شجریان)

زن در دوگانه‌انگاری‌های فرهنگی (توصیف زن با کدهای فرهنگی منفی)

هال^۱ معتقد است دوگانه‌انگاری‌هایی همچون اکثریت/ اقلیت، بهنجار/ نابهنجار، اخلاقی/ فاسد، بالغ/ نابالغ، سالم/ بیمار و... به متون رسانه‌ای ساخت می‌دهند. به آن معنا که رسانه کاری بیش از انتقال باورها و ارزش‌ها انجام می‌دهد؛ رسانه شیوه‌های تعریف، دسته‌بندی و قضاوت افراد و گروه‌ها را منتقل می‌کند، انسان‌ها و گروه‌ها را براساس نژاد جنسیت، ملیت و سایر مقوله‌های هویتی دسته‌بندی می‌کند و سپس هر گروه را با تقسیم‌بندی‌های دوگانه یادشده در ارتباط قرار می‌دهد [۱۴، ص ۱۸۲].

در اشعار تحلیل‌شده، زن به‌عنوان معشوق مرد یک سمت رابطه‌ای رمانتیک را تشکیل داده است و در این شبکه روابط با خصلت‌هایی چون فساد، مکر و حيله‌گری، پیمان‌شکنی و بی‌وفایی تعریف شده است که در تقابل با ویژگی‌های مرد عاشق به‌عنوان سمت مقابل رابطه است. این تقابل ویژگی‌ها در بستر فرهنگ جامعه با کدهای فرهنگی خوب/ بد الصاق می‌شود.

کدهای ذیل نشان‌دهنده این دوگانه‌های فرهنگی در رابطه زن و مرد است:

زن به عهد خود در رابطه عاشقانه وفادار نیست، درحالی‌که مرد همواره وفادار توصیف شده است؛

زن ناسازگار و جفاکار است، درحالی‌که مرد عشق واقعی را ابراز می‌کند؛

زن فتنه‌گر و افسون‌گر توصیف شده است؛

زن در ایجاد رابطه عاشقانه بی‌رحم توصیف شده است؛

زن در رابطه عاشقانه فراموش‌کار و غیرمتعهد است؛

زن عامل فتنه و آشوب توصیف شده است؛

زنان برخلاف مردان فاعل عشقی انحصاری نیستند؛

اشعار ذیل بخشی از مثنوی‌اند که بیان‌گر این کدها هستند:

دعوت من بر تو آن شد که ایزدت عاشق کناد/ بر یکی سنگین دلی نامهربان چون خویشتن

(قزدار، آلبوم نوروز، ناظری)

با این‌همه بیداد او وین عهد بی‌بنیاد او/ در سینه دارم یاد او یا بر زبانه می‌رود (سعیدی،

آلبوم کیش مهر، ناظری)

عشق به زن در ضدیت با عقلانیت و دینداری

یکی دیگر از مفاهیمی که نشان‌دهنده دیدگاه جامعه به زن است، تصور مردان درباره تبعات ایجاد ارتباط با زنان است. رابطه عاشقانه با زنان برخلاف روابط دوستانه و انواع متعدد از شبکه‌های روابط، سبب ایجاد خلل به امور ارزشمند معنوی از قبیل تفکر و دینداری در مردان تصویر شده است. در متون اشعار آلبوم‌های موسیقی سنتی نیز این دیدگاه به چشم می‌خورد.

کدهایی که این مفهوم از آن‌ها اقتباس شده است به شرح ذیل است:

عشق به زن سبب کاهش تفکر و افزایش احساسات می‌شود؛

عشق به زن عامل از بین رفتن کارایی عقل می‌شود؛

عشق به زن ویرانی به بار می‌آورد؛

عشق به زن سبب از بین رفتن ایمان و دینداری مرد عاشق توصیف شده است؛

عشق به زن جنون مرد عاشق را در پی دارد؛

عشق به زن سلامتی فکر و بدن مرد عاشق را به خطر می‌اندازد؛

شیرینی عشق به زن سراب‌گونه و غیرواقعی تصویر شده است؛

عشق به زن سبب بی‌توجهی مرد به نصیحت و هشدارهای آگاهانه می‌شود.

اشعار ذیل وجود این کدها را در متون مورد تحلیل پژوهش تأیید می‌کند:

دل دیوانه از آن شد که نصیحت شنود/ مگر هم از سر زلف تو زنجیر کنم (حافظ، آلبوم

سخن تازه، ناظری)

برای کفر زلفت ای پری‌رخ/ همی ترسم که ایمونم بسوزه (باباطاهر، آلبوم مهرورزان، افتخاری)

مقوله مرکزی؛ زن به‌مثابه ابژه عشق کامل

سه مقوله زن به‌مثابه سوژه عشق سالم، معشوق زن به‌مثابه ابژه‌ای اجتماعی و زن به‌مثابه ابژه عشق اروتیک و رمانتیک، که خود حاصل مقوله‌بندی ۱۱ مفهوم بودند، ذیل مقوله‌ای مرکزی با عنوان زن به‌مثابه ابژه عشق کامل قرار می‌گیرند. این مقوله نشان می‌دهد که زن به‌طور کلی در این آثار نقش معشوق را برای مرد عاشق داشته است و فقط به‌عنوان موضوعی برای ایجاد یک شبکه روابط عاشقانه بازنمایی شده است.

زن در آثار منتخب تحلیل‌شده با شاخصه زیبایی جسمانی توصیف شده است و این به‌منزله معیار خصوصی مرد عاشق، زن را در مسندی خاص و ایدئال قرار داده است. این امر سبب شده است که حتی بیان ویژگی‌های منفی زن و مذمت و نصیحت سایرین نیز خللی در این عشق رمانتیک مرد نسبت به زن ایجاد نکند. راوی مرد همواره بیان‌کننده عشقی رمانتیک به معشوق زن است. این مرد عاشق است که ویژگی‌های زن، نقش وی و نحوه رفتار وی را در ارتباط

عاشقانه روایت می‌کند و زن فعال هیچ‌گاه حضور ندارد. از جایگاه اجتماعی زن سخنی به میان نیامده است و در عرصه عمومی حضوری حداقلی دارد و کدهای فرهنگی منفی به زن و عشق‌ورزی به وی نسبت داده شده است. باین‌حال، در عشق انحصاری مرد به خویشتن سهیم است و مرد عشقی سالم را به وی ارائه کرده است. مرد احساس می‌کند که می‌بایست هر آنچه را در توان دارد برای معشوق زن انجام دهد و این احساس مسئولیت و تعهد دائمی است. از این‌رو، زن ابژه عشقی کامل است که ویژگی‌های عشق سالم را داراست.

بحث و نتیجه‌گیری

موسیقی عنصری اساسی از یک نظام فرهنگی است و تا حد زیادی می‌تواند تعیین‌کننده برخی جهت‌گیری‌های کلی فرهنگ و تغییرات فرهنگی رخ داده باشد. متن موسیقایی ممکن است چندلایه باشد و افزون بر موسیقی‌سازی، موسیقی کلامی یا آواز نیز داشته باشد. بیش از همه، لایه کلامی تأثیری بسزا در محدودسازی و مشخص‌سازی دامنه معنایی متن دارد. زبان در بسیاری از موارد به نوعی در جهت‌دهی و مرزبندی معنایی دیگر لایه‌ها تعیین‌کننده است [۱۲] بنابراین، بررسی اشعار خوانده‌شده در آلبوم‌های موسیقی سنتی در دهه ۱۳۶۰، به‌عنوان لایه کلامی این آثار، روشن‌گر دلالت معنایی این متون موسیقایی در نحوه بازنمایی زن در این برهه تاریخی است.

۱. توجه به جسم زن در بستر رابطه‌ای عاشقانه قرار گرفته است که نافی جایگاه برجسته زن در این آثار نیست. زن به‌مثابه ابژه عشق اروتیک مرد تصویر شده است که حاوی ویژگی‌های شکل آرمانی عشق اروتیک از قبیل سرسپردگی، وفاداری و نیز احترام است. توجه به بعد جسمی و جنسی زن در این آثار به‌عنوان بخشی از ارتباط کلی‌تر عشق رمانتیک است. تواضع و فروتنی عاشق به معشوق زن، بخشش و ایثار و ابراز عشق بدون هیچ‌گونه قید و شرط و احترام به معشوق به‌عنوان وظیفه عاشق، در بیشتر اشعار از ویژگی‌هایی است که در عشق‌ورزی به زن وجود دارد.

۲. بررسی‌های این پژوهش نشان‌دهنده وابستگی و آسیب‌پذیری مرد در این ارتباط عاشقانه است. مرد عاشق، خود روایت‌گر وابستگی‌اش به معشوق زن و آسیب‌پذیری خود در این رابطه رمانتیک است. این بررسی نشان داد که هرگاه عشق رمانتیک بروز پیدا کرده است، مردان درگیر در این رابطه نیز وابستگی به زنان را تجربه کرده‌اند و این به آن معناست که میان زن و مرد رابطه‌ای دوسویه وجود دارد. هرچند زن صرفاً در رابطه‌ای عاشقانه با مرد و به‌عنوان موضوع این رابطه تصویر شده است، از این جهت موضعی برابر با مرد- اگر نگوییم برتر از او- را داراست.

۳. معشوق زن در این آثار خاص‌سازی و ایدئال‌سازی شده است و مرد عاشق جایگاهی منحصربه‌فرد و رتبه والا را به او نسبت داده است. ایدئال‌سازی یکی دیگر از ویژگی‌های عشق سالم است و حضور زن در چنین رابطه‌ای بیانگر میزانی از تساوی در ارتباط فردی و سطح خرد- نه اجتماعی- زنان و مردان است.

۴. حضور زن در عرصه اجتماعی کم‌رنگ توصیف شده است و اجتماع را، مرد که نقش اصلی را در عرصه اجتماعی و فردی به عهده دارد، به عدم ارتباط عاشقانه با معشوق زن تشویق می‌کند. زن ابژه عشقی قرار گرفته است که پیش‌شرط وجود آن برابری زن و مرد است. زن ابژه چنین عشقی است و عشق روایت‌شده از سوی عاشق مرد همه شاخصه‌های عشق شاد و سالم را دارد. با این بیان، زن در این آثار دست‌کم در عرصه خصوصی با مرد برابر است.

نقطه اهمیت بررسی آثار هنری ملی یک جامعه در این نکته است که هنر ملی جنبه انسانی بارزی دارد. این نوع هنر، کشاکش زندگی اجتماعی را به‌خوبی منعکس می‌کند و با سیاست ملی همراه است [۱]. بازنمایی مفهوم زن در موسیقی سنتی ایران در دهه ۱۳۶۰ بدون شک بی‌ارتباط با نمود این مفهوم در زندگی اجتماعی ایران در این برهه تاریخی نخواهد بود.

زن در موسیقی سنتی در دهه ۱۳۶۰ فقط به‌عنوان معشوق و ابژه عشق مرد بازنمایی شده است و این تصویر از زن جهت‌گیری غالب این موسیقی است. در تحلیل این امر می‌توان گفت که این بازنمایی نشان‌دهنده بستر شکل‌گیری این متون موسیقایی است و بازتاب‌دهنده بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران در دهه ۱۳۶۰ است. از سویی دیگر، این نوع بازنمایی می‌تواند از طریق دلالت معنایی و تقویت با تداعی موسیقایی بر افکار عمومی جامعه اثر بگذارد و این دیدگاه به هویت جنسیتی، زن را تقویت کند یا شکل دهد.

پژوهش حاضر در بررسی محتوای آثار موسیقایی منتشرشده در دهه ۱۳۶۰ در دسترسی به آلبوم‌های منتشر، فراهم‌آوردن فهرستی جامع و مانع از آلبوم‌های منتشرشده و همچنین هنرمندان فعال در این دهه با مشکل روبه‌رو بود. بنابراین، فراهم‌آوردن جامعه آماری پژوهش با ناهمواری‌هایی روبه‌رو بود. همچنین، به دلیل کیفیت نسبی پایین وسایل ضبط و صوت در دهه ۱۳۶۰، برخی از آلبوم‌ها از کیفیت لازم برخوردار نبودند و این امر در بررسی محتوای اشعار این آثار ایجاد مشکل می‌کرد. این نقیصه با رجوع به دیوان اشعار شاعران این قطعات مرتفع شد.

اگرچه می‌توان گفت که آثار هنری جامعه معاصرشان را بازتاب می‌کنند، هرگز نمی‌توان با اتکا به آثار هنری دریافت که این بازتاب تا چه اندازه انحراف یافته است. بهترین راه‌حل این مشکل فهمیدن میزان انحراف آثار هنری از واقعیت و در نظر گرفتن این نکته در تحلیل‌هاست. این کار نیز بدون کمک‌گرفتن از سایر روش‌های تحلیل واقعیت همچون تحقیقات اسنادی، تاریخی، میدانی و پیمایشی میسر نخواهد شد [۸]. بنابراین، پیشنهاد می‌شود مطالعات در حوزه موسیقی و نیز مطالعات جنسیت با روش‌های تحقیق مختلف انجام شود تا مکمل یکدیگر در شناخت هرچه بهتر جامعه باشد. همچنین، پیشنهاد می‌شود با بررسی میزان فروش و مخاطبان آلبوم‌های انواع موسیقی در دهه‌های پس از دهه ۱۳۶۰ و بررسی محتوای این آلبوم‌ها، بازنمایی مفهوم زن و جنسیت اعم از بازتاب و تأثیر و تأثر موسیقی و جامعه در این آثار پی‌گرفته شود تا تغییرات ایجادشده در جامعه در برخورد با مفهوم زن مشخص و شناخته شود. این‌گونه پژوهش‌ها می‌تواند تلاشی در جهت روندنمایی تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه باشد. علاوه

بر آن، انجام دادن پژوهش‌هایی در سه حوزه تولید، مبادله و مصرف موسیقی و بررسی نقش و جایگاه زن در تولید موسیقی و حضور در گروه‌های موسیقی می‌تواند تحلیل کامل‌تری را از جایگاه زن در موسیقی به همراه داشته باشد.

منابع

- [۱] آریان‌پور، امیرحسین (۱۳۵۴). اجمالی از تحقیق ا. ح آریان‌پور دربارهٔ جامعه‌شناسی هنر، تهران: انجمن کتاب دانشجویان دانشکدهٔ هنرهای زیبا.
- [۲] استراس و کوربین، آنسلم و جولیت (۱۳۹۳). *اصول روش تحقیق کیفی- نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمهٔ بیوک محمدی، چ ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۳] ایمان، محمدتقی؛ زنجری، نسیم؛ اسکندری‌پور، ابراهیم، (۱۳۸۹). «کندوکا و سیستم معانی ذهنی مصرف‌کنندگان موسیقی»، *مجله تحقیقات فرهنگی ایران*، س ۳، ش ۱۲، ص ۸۵-۱۱۲.
- [۴] بیات، حسین (۱۳۸۷). «سرگردانی میان معنا و بی‌معنایی (جایگاه شعر در موسیقی عامه‌پسند امروز)» *پژوهش‌های ارتباطی*، ش ۵۳، ص ۳۳-۵۰.
- [۵] پیرایش، علی (۱۳۹۶/۱/۱۲). سایت مؤسسهٔ فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، www.tebyan.net.
- [۶] پیرو، فرزانه (۱۳۹۱). «مطالعهٔ تحلیل محتوای نگرش نسبت به زن در موسیقی رب فارسی»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، رشتهٔ مطالعات زنان، دانشکدهٔ مدیریت اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
- [۷] چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۰). «هنر و زیباشناسی فمینیسم»، *مجلهٔ معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش اول، ص ۲۹-۵۴.
- [۸] راووداد، اعظم (۱۳۸۶). «جامعه‌شناسی اثر هنری»، *پژوهش‌نامه فرهنگستان هنر*، ش ۲، ص ۶۶-۹۱.
- [۹] رپاپورت، الیزابت (۱۳۸۹). *دربارهٔ آیندهٔ عشق: روسو و فمینیست‌های رادیکال*، ترجمهٔ آرش نراقی، کتابناک: www.ketabnak.com.
- [۱۰] ریتزر، جورج (۱۳۸۹). *نظریهٔ جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمهٔ محسن ثلاثی، چ ۱۶، تهران: علمی.
- [۱۱] زاهد زاهدانی، سید سعید؛ کاوه، مهدی (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی هنر از نگاه نو*، شیراز: دانشگاه شیراز.
- [۱۲] ساسانی، فرهاد (۱۳۸۶). «دلالت یا تداعی؟ روند شکل‌گیری معنا در موسیقی»، فصل‌نامهٔ *زیباشناخت*، ش ۱۷، ص ۲۴۵-۲۶۶.
- [۱۳] سالومون، روبرت (۱۳۸۶). «فضیلت عشق اروتیک»، ترجمهٔ آرش نراقی، *کتاب نقد*، ش ۴۳، ص ۳۲۰-۳۵۶.
- [۱۴] سیدمن، استیون (۱۳۹۳). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمهٔ هادی جلیلی، چ ۱۷، تهران: نی.
- [۱۵] عبدی، حمزه؛ گلزاری، محمود (۱۳۸۹). «ارتباط میان سبک‌های عشق و ویژگی‌های شخصیتی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۳، ص ۷۴-۵۳.
- [۱۶] فاضلی، محمد (۱۳۸۴). «جامعه‌شناسی مصرف موسیقی»، فصل‌نامهٔ *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۴، ص ۲۷-۵۴.
- [۱۷] فاضلی، محمد (۱۳۸۴). «نگاهی به هفت نسل پژوهش در جامعه‌شناسی موسیقی (در جست‌وجوی جایگاه شنونده)»، فصل‌نامهٔ *فرهنگ و آهنگ*، ش ۶، ص ۳۲-۳۵.

- [۱۸] فاضلی، نعمت‌الله؛ ملکی، ابراهیم (۱۳۹۰). «بازنمایی زنان در ترانه‌های فولکوریک زبان کردی»، فصل‌نامه مطالعات میان‌فرهنگی، ش ۱۶، ص ۶۴-۸۶.
- [۱۹] قاسمی وحید؛ صمیم، رضا (۱۳۸۷). «مطالعه‌ای پیرامون رابطه قشربندی اجتماعی و مصرف فرهنگی با استفاده از داده‌هایی در زمینه مصرف موسیقایی در شهر تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۹، ص ۸۰-۱۰۱.
- [۲۰] قاسمی، وحید؛ میرزایی، آیت‌الله (۱۳۸۵). «جوانان و هنجارهای رسمی و غیررسمی موسیقی پاپ»، مطالعات جامعه‌شناسی، ش ۸، ص ۹۸-۱۲۳.
- [۲۱] کوثری، مسعود؛ مولایی، محمد مهدی (۱۳۹۱). «روایت‌های مردانگی در موسیقی رپ و چالش‌های مردانگی هژمونیک»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۴، ص ۱۵۱-۱۷۷.
- [۲۲] مسجدی‌زاده، نیلوفر (۱۳۹۶/۱/۲۶). جامعه‌شناسی هنر www.sociologyofiran.com.
- [۲۳] نظری، نجمه؛ کمالی، راهله (۱۳۹۴). «عشق از دیدگاه سعدی و اریک فروم»، پژوهش‌نامه ادب غنایی، ش ۲۴، ص ۲۶۷-۲۸۳.
- [۲۴] نوزیک، روبرت (۱۳۸۶). «پیوند عشق»، ترجمه آرش نراقی، کتاب نقد، ش ۴۳، ص ۳۵۷-۳۸۰.
- [۲۵] ودادهیر، ابوعلی؛ امینیان، احسان؛ طباطبایی، آسیه سادات؛ سلمانی، محمدجواد (۱۳۹۰). «جوانان و موسیقی پاپ: بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با گرایش دانشجویان دانشگاه تربیت معلم به موسیقی پاپ»، مجله مسائل اجتماعی ایران، ش ۹، ص ۱۶۷-۱۹۴.
- [26] Armstrong, Edward (2001). 'A Content Analysis of the Portrayals of Violence Against Woman in Rap Music' *Journal of Criminal and Popular Culture*, 8 (2), PP 96 – 126.
- [27] Goffman, Erving (1997). *Goffman Reader, Edited and Introduction by Chales Lemert and Ann Branaman*, Oxford: black well publisher Ltd.s.
- [28] Mayring, philip (2014). *Qualitative content- theoretical founation, basic procedures and software solution Klagenfurt*, Austria: SSOAR.
- [30] Mcintosh, Curtney (2010). 'The Relationship Between Consumption of Hip hop Media and Repoerted Sexual Behavior Among African – American Emegin adults Proquest Jimi dissertation publishing. the Chicago school of professional psychology, PP 1 – 132.
- [31] Mignonkucia, Janet (2011). ' The impact of rap music on audience values structure' University of Southern Mississippi. School of Mass Communication and Journal. P 258.
- [32] Philipov,D.(2006). 'Soon, Later, or ever? The impact of Anomie and Social Capital on Fertility Intentions' *Bulgaria Studies*, 3, PP 289- 308.
- [33] Tom F.M. ter Bogt, Marc J.M.H. Delsing, Maarten van Zalk, Peter G. Christenson (2011). 'SIntergenerational Continuity of Taste: Parental and Adolescent Music Preferences' *Social Forses Journal*, 90, PP 297-319.
- [34] Weitzer, Ronald& Kubrin, Charise (2009). 'Misogyny in Rap and Masculinities' *The Gorge Whashington University, whashington D. C.* 15 (4), PP 46–56.
- [35] Zang, Yan & Barbara M, Wildenuth (2009). 'Qualitative Analysis of Content: Applications of Social Research Metods to Question in Information and Library Science. West port, Connecticut, USA: Libraries Unlimitad, First Edition.